

نشریه علمی پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۶، ص ۲۳-۵۰

سبک اقناعی نظامی در بیان مضامین تعلیمی با تکیه بر قصاید

دکتر سید احمد پارسا* - محمد سعیدی مقدم**

چکیده

آموزه‌های تعلیمی از مضامین رایج در قصاید نظامی است که در کنار خمسه او، تاکنون از نظر مغفول مانده است. در فرایند خوانش این قصاید مشخص می‌شود که نظامی در بیان مسائل تعلیمی، سبکی اقناعی به کار می‌برد؛ به این معنی که با روش‌هایی چون انذار و تبشیر، اسلوب استفهام و اسلوب شرط، سعی در قبولاندن مفهوم مدنظر خود یا تغییر نگرش مخاطب دارد. البته گاهی از شگردهای بلاغی چون تکرار، تلمیح، تمثیل و اسلوب معادله برای قانع کردن مخاطب استفاده می‌کند. توجه به این امر می‌تواند بیانگر تلاش شاعر و حُسن توجه او در مستدل ساختن کلام بر پایه منطق عقلی و هنری باشد تا آنچه مدنظر اوست، مقبول طبع واقع شده و خواننده پذیرای آن باشد. این پژوهش با روش توصیفی و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، به بررسی ابیات تعلیمی قصاید نظامی می‌پردازد تا هم شگرد خاص وی را در بیان موعظه و پند و

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان a.parsa@uok.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان m.saeidi1366@yahoo.com

حکمت بنمایاند و هم بابتی برای آشنایی با این مضامین در قصاید نظامی باشد.

واژه‌های کلیدی

ادبیات تعلیمی، قصاید نظامی، اقناع مخاطب.

۱. مقدمه

انسان همواره در فعالیت‌های ارتباطی خود با روش‌های گوناگون، به دنبال جلب نظر دیگران و اقناع آن‌ها بوده است. در این میان، شاعران نیز در اشعار تعلیمی خود، سعی در ایجاد ارتباطی گیرا و مؤثر با مخاطب داشته‌اند؛ به صورتی که یکی از مهم‌ترین اهداف متعالی ادبیات تعلیمی، تغییر نگرش و دگرگونی رفتار و افکار است. به نظر می‌رسد که این هدف از دیرباز در ادبیات سرزمین ما وجود داشته؛ چراکه از رودکی تاکنون، کم‌وبیش در آثار شعرا و نویسندگان به موعظه، پند، اندرز، اخلاق و امثال آن‌ها برمی‌خوریم. این امر بیانگر نوعی تعهد درونی شاعران ایرانی به تعلیم و هدایت نوع بشر است. با این تفاوت که «شعر تعلیمی در قدیم بیشتر شامل سروده‌های اخلاقی و مذهبی و عرفانی بوده است، ولی پس از انقلاب مشروطه شامل مسائل سیاسی، اجتماعی و روان‌شناسی نیز شده است» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۳۷۷). آثار نظامی نیز از این امر مستثنا نیست؛ وی «در مقام مصلح اجتماعی و مربی اخلاق، همچون پدری دلسوز، جامعه غرق در فساد و تباهی را می‌نگرد و در منش زاهدی آرمان‌خواه و جدی، هشدار می‌دهد» (خان‌محمدی و همتی، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

در قرن ششم، حکیم نظامی گنجوی در نگارش آثار منظوم خود، از مفاهیم اخلاقی و حکمی و پند و اندرز استفاده می‌کند و به این وسیله، در راهبری انسان‌ها نقشی بسزا ایفا می‌نماید. تعلیم و تربیت برای او از اهمیت وافری برخوردار است؛ چنان‌که در

منظومه هفت‌پیکر در نصیحت فرزند خویش، محمد، می‌گوید:

ای بسا تیزطبع کاهل کوش که شد از کاهلی سفال فروش
وای بسا کوردل که از تعلیم گشت قاضی القضاات هفت اقلیم

(نظامی، ۱۳۸۹: ۵۳)

بنابراین نظامی در لابه‌لای آثار خویش هر جا که مجال می‌یابد، به نصیحت‌گری و پند و موعظه می‌پردازد تا بدین ترتیب به آرمان ذهنی خود که همانا داشتن جامعه‌ای عاری از بدی و پلیدی است، برسد و بتواند انسان را به سمت تعالی و والایی سوق داده و در تغییر نگرش و رفتار او گامی مؤثر بردارد. اما از آنجا که تغییر نگرش و رفتار بشر نیازمند اقناع اوست، سؤال اصلی این است که نظامی از چه روش‌هایی برای اقناع مخاطب و تغییر نگرش او بهره برده است؟ بنابراین پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی مضامین تعلیمی قصاید نظامی می‌پردازد تا روش‌هایی را که او با استفاده از آن‌ها سعی در اقناع مخاطب دارد، بنمایاند.

۲. پیشینه پژوهش

مریم مشرف در کتاب جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران معتقد است پیام شعر نظامی، بیداری انسان است برای نیل به نیک‌بختی خویش. نظامی پس از سنایی و در عصر سلاجقه، بیماری‌های اجتماعی را گریبان‌گیر مردم و حاکمان جامعه می‌دید. از این رو، کوشید تا ندای وجدان جامعه را به گوش زمانه برساند (مشرف، ۱۳۸۹: ۲۶۳). همچنین نویسنده در کتاب خویش، شرح مبسوطی بر مضامین تعلیمی مخزن الاسرار دارد. دکتر زرین‌کوب نیز به نکته‌های اخلاقی و تعلیمی نظامی اشاره می‌کند و تلاش شاعر را در تلفیق نکات اخلاقی با تصاویر شاعرانه و تخیل‌آمیز می‌ستاید و به استفاده نظامی از تعلیمات و اشارات دینی و ملی می‌پردازد (زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۳۹). در سال‌های اخیر

نیز دربارهٔ درون‌مایهٔ تعلیمی سروده‌های نظامی، پژوهش‌هایی صورت گرفته که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: «تأثیرپذیری تعلیمی روضهٔ الانوار خواجه‌ی کرمانی از مخزن الاسرار نظامی گنجوی» (مشهور و جلیلی، ۱۳۹۵)، کتاب انعکاس «آموزه‌های تعلیمی در خمسهٔ نظامی» (خان‌محمدی و همتی، ۱۳۹۴) و «تعلیم‌وتریبت در خمسهٔ نظامی» (مرتضایی، ۱۳۹۰). پژوهش دیگری که باید از آن یاد کرد، «شیوه‌های تعلیلی شاعران سبک آذربایجانی» (۱۳۹۴) از نرگس اسکویی است. این پژوهش بر پایهٔ نظریهٔ استفان تولمین در باب استدلال است که در آن، نویسنده پس از شرح نظریهٔ مذکور، به شیوه‌های توجیه و تحلیل سخن در شعر شاعران سبک آذربایجانی پرداخته و با ذکر شاهد مثال، هریک را شرح داده است. وی بر این باور است که شعرای سبک آذربایجانی با شیوه‌های گوناگون، سعی در قبولاندن ادعای شاعرانهٔ خود دارند. بنابراین نویسنده شیوه‌هایی هنری همچون تلمیح، تمثیل، مذهب کلامی، اسلوب معادله و سوگند را از شیوه‌های استدلالی و قیاسی این شاعران می‌داند و هریک را با اصول نظریهٔ استدلالی استفان تولمین متناظر می‌کند و در این میان، شواهدی از قصاید نظامی نیز می‌آورد. موضوع مقالهٔ اخیر کلی است و شگردهای تعلیلی شاعران سرآمد سبک آذربایجانی را با تکیه بر موضوعات متنوع بررسی کرده است و تکیهٔ ما فقط روی قصاید نظامی با محوریت موضوعاتی چون پند و اندرز و موعظه و حکمت است که در زمرهٔ ادبیات تعلیمی جای می‌گیرد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که نظامی در قصاید خود علاوه بر شگردهای تعلیلی، از شیوه‌های دیگری نیز برای اقناع مخاطب استفاده کرده؛ چراکه دلیل‌آوری یکی از شیوه‌های اقناع است.

اما همان‌طور که اشاره شد، اکثر پژوهش‌هایی که مضامین تعلیمی اشعار نظامی را بررسی کرده‌اند، معطوف به خمسهٔ نظامی است و تاکنون پژوهشی در زمینهٔ بررسی روش‌های اقناعی نظامی در بیان مضامین تعلیمی صورت نگرفته است. بنابراین از آنجا

که بررسی مضامین تعلیمی قصاید او از نظر مغفول مانده، پژوهش حاضر لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۳. دربارهٔ اقناع

۳-۱. تعریف اقناع

یکی از مفاهیم اساسی علم ارتباطات، متقاعدسازی یا اقناع است که با هدف تحت‌تأثیر قرار دادن نگرش و رفتار مخاطبان، مورد مطالعه قرار گرفته است. فرایند اقناع در اصطلاح، به معنی کوشش آگاهانهٔ یک فرد یا سازمان برای تغییر نگرش، باورها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های یک فرد یا گروه است (گیل و ادفر، ۱۳۸۴: ۵۱). در تعریفی دیگر، اقناع فرایندی ارتباطی است که هدف آن نفوذ در گیرندهٔ پیام است؛ به این معنا که یک پیام ترغیبی، یک نظر یا رفتار را به شکل داوطلبانه به گیرنده ارائه می‌دهد و انتظار می‌رود که این پیام در مخاطب مؤثر واقع شود (مرادی، ۱۳۸۹: ۲۱). ترغیب نیز فرایندی است که ما را قادر به تغییر یا تقویت نگرش‌ها و عقاید یا رفتار دیگران می‌کند (میلز، ۱۳۹۰: ۱۴).

اولین کتاب جامع اقناع را ارسطو در حوالی سال ۳۲۳ قبل از میلاد متأثر از نظر سوفسطائیان و استاد خویش، افلاطون، نوشت که *بوطیقا* (Rhetoric) نام داشت. برای او اقناع، انتقال یک نقطه نظر یا موضع بود. سیسرون، یکی از معروف‌ترین اقناع‌کنندگان حرفه‌ای روم نیز تحت‌تأثیر همین کتاب و دربارهٔ اهمیت علم معانی و بیان برای اقناع و تغییر نگرش افراد، فصاحت و بلاغت را در کنار عقل و منطق، شرط اساسی می‌دانست (پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۸۴: ۲۰). بنابراین تئوری اقناع بیشتر به آراستن کلام به شگردهای عقلی و هنری تکیه داشت و در مباحثه‌ها و مناظراتی که در یونان رایج بود، به کار می‌آمد.

۲-۳. شگردهای اقناع

شگردهای اقناع متفاوت است و به موضوع، نوع ارتباط (کلامی یا غیرکلامی)، زمینه ارتباط، بسترهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، مهارت گوینده و مواردی از این دست بستگی دارد. برای نمونه سیسرون، مجذوب کردن، عرضه پیام همراه با استدلال و انباشتن مخاطب از احساس را به عنوان وظایف خطیب در اقناع مخاطبان می‌دانست (همان: ۳۰). همچنین، بزرگ‌نمایی یا برجسته‌سازی، تداعی معانی، ایجاد ترس، طنز، صنعت تکرار، استفاده از نماد، مقایسه، گواهی دادن افراد و... را از روش‌ها و فنون اقناع دانسته‌اند (دانشور و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۹-۵۲).

۴. مضامین تعلیمی در شعر نظامی

اوضاع اجتماعی عصر نظامی اوضاعی نابسامان بود. از طرفی «اختلافات دینی و مذهبی و تعصبات و مناقشات میان زمامداران سلجوقی و امامان معتزلی و اسماعیلی در این عصر به اوج خود رسیده بود که سال‌ها به آزار مخالفان مذهبی و کشتار و خونریزی آنان منجر می‌شد» (ناصری و حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۱)، از طرفی دیگر، تاخت‌وتاز حاکمان و پادشاهان و ویرانگری آنان باعث به وجود آمدن مفاسد و ناهنجاری‌های اخلاقی در جامعه می‌شد. «همین ناملازمات و نابسامانی‌ها عده‌ای از دانشمندان و شاعران و نویسندگان را رنجیده‌خاطر کرده بود و آنان را به انتقاد از اوضاع اجتماعی و بدگویی از رفتار امرا و سلاطین و رجال و مفسدشان واداشته بود» (صفا، ۱۳۷۴: ۱۶۸). نظامی نیز متأثر از چنین اوضاعی، افکار اخلاقی و تعلیمی خود را با زبانی فصیح و بلیغ در قصایدش بیان می‌کند. با سیری اجمالی در این قصیده‌ها، نظامی را شاعری معتقد و پایبند به آموزه‌های دینی، به دور از تعصبات مذهبی و همراه با تفکر اخلاقی و تعلیمی می‌یابیم. به همین دلیل، خیرخواهی و تعهد او در خصوص هدایت و تعلیم هموعانش، ستودنی است. «او شاعری را رسالتی خدایی می‌داند و بر این باور است که شعری که

نه بر پایه فضایل اخلاقی و هدایت بشریت، بلکه برای برآوردن آمال و آرزوهای دنیوی و کسب منفعت باشد، نه تنها ارزش هنری خود را، که حتی عزت و مایه شاعری را از بین خواهد برد» (قبادی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۸-۵۹). لذا از خداوند می‌خواهد تا پندهایش که نشانگر تعهد او به اطرافیان است، در دل‌ها نفوذ کند:

یارب این پند نظامی تو به دل‌ها برسان تا از او سالک نظمش دُر و گوهر گیرند
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۳۱)

به‌طور کلی، مواعظ و پندهای نظامی را در قصاید می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف. مواعظ اخلاقی که درخصوص تشویق به فضایل و ترک رذایل اخلاقی است؛ ب. مواعظ اجتماعی؛ ج. مواعظ مربوط به امور مذهبی. ارائه فهرست کاملی از مواعظ و پندهای نظامی همراه با بسامد آن‌ها، بحثی درازدامن به‌دنبال دارد و خارج از موضوع اصلی این پژوهش است؛ زیرا هدف اصلی این پژوهش، بررسی شگردهای اقناع و تلاش برای تغییر نگرش مخاطب است. توصیه به حرکت و پویایی (همان: ۲۱۸)، اجتناب از اظهار نیاز به سفلگان (همان: ۲۱۸)، ترک تعلقات (همان: ۲۱۸)، غفلت و خساست (همان: ۲۱۹)، خداجویی (همان: ۲۲۲)، دوری از پرستش نفس (همان: ۲۲۲)، عدالت‌محوری (همان: ۲۲۳)، تحمل سختی‌ها (همان: ۲۲۳)، تزکیه نفس (همان: ۲۲۳)، خدمت به خلق (همان: ۲۲۴)، بذل و بخشش (همان: ۲۲۴)، اجتناب از شهوت‌پرستی (همان: ۲۲۴)، ظلم و ستم (همان: ۲۲۴)، ترک دنیا (همان: ۲۲۶)، عاقبت‌نگری (همان: ۲۲۷)، غنیمت شمردن فرصت (همان: ۲۲۷)، دانش‌اندوزی (همان: ۲۳۰)، هشیاری (همان: ۲۳۰)، آمادگی برای ترک جهان (همان: ۲۴۱)، خودداری از حرص و شهوت (همان: ۲۴۲)، پیروی از قرآن (همان: ۲۴۲)، پیروی از شریعت (همان: ۲۴۴)، مسلمانی (همان: ۲۵۵) و... فقط بخشی از مواعظ و پندهای نظامی در قصاید است.

۵. شگردهای اقناع مخاطب در قصاید نظامی

۱-۵. توسل به انذار

یکی از شیوه‌های اقناع و تغییر نگرش مخاطب به کارگیری انذار است. به نظر می‌رسد که بازدارندگی از مهم‌ترین کارکردهای ایجاد ترس است. از نظر گری اسپنس (Gerry Spence) نیز بین ترس و تغییر نگرش رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؛ ترس ما را جلو می‌برد تا از دردی که زائیده اشتباهات و شکست است، جلوگیری کنیم (اسپنس، ۱۳۹۰: ۶۴).

مطالعات دانشمندان علوم ارتباط نیز نشان داده است که ترس یکی از سازوکارهای مؤثر در مجاب ساختن دیگران است. شاید به همین دلیل است که سیاستمداران به منظور برانگیختن مردم برای شرکت در یک کنش سیاسی، اداره راهنمایی‌وراندگی برای بر حذر داشتن رانندگان از سرعت غیرمجاز در بزرگراه‌ها، و مؤسسات بهداشتی برای ترغیب مردم به رعایت نکات بهداشتی، از هیجان ترس بهره می‌گیرند (الیاسی، ۱۳۸۳: ۱۳). به همین سبب، گویندگان پیام با ترسیم هراس‌آور وضعیت موجود یا موقعیتی که در آینده اتفاق خواهد افتاد، سعی می‌کنند بر اندیشه و احساس مخاطب غلبه کرده و او را آماده پذیرش ایده و نظر خود کنند. از نظر نظامی نیز ترس عاملی بازدارنده است؛ چراکه ترس باعث می‌شود تا انسان از انجام هر عمل زشتی خودداری کند تا هنگام فاش شدن عملش، شرمسار و متضرر نشود:

ای برادر، در او گیر و از آن روز بترس که در او پرده ز هر نیک و بدی بگیرند
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۳۰)

از این رو، نظامی در بیان مسائل اخلاقی و تعلیمی، هر از گاهی مخاطب را بیم داده و با تداعی اتفاقاتی که برای انسان ناخوشایند است، خواسته تا او را از بدی بازدارد و به عملکردشان بی‌گهانند. برای مثال، نظامی از مخاطب خود می‌خواهد تا دست از ظلم و ستم بردارد، اما همین درخواست را به‌طور غیرمستقیم و با ترسیم هراس‌آور حال ظالمان در

قیامت، بیان کرده است تا با ایجاد ترس و دلهره در مخاطب، او را از ظلم بازدارد:
 وای آن روز که در کشمکش مظلومان بر سرت هر سر مویی سر خنجر گردد
 نظامی همچین، انسان‌هایی را که در غفلت دست به هر کاری می‌زنند، از آمدن اجلی
 که آن‌ها را غافلگیر کرده و وارد عرصه محشر می‌گرداند، بیم می‌دهد؛ اجلی که رعیت و
 سلطان نمی‌شناسد و همه را در بر می‌گیرد. از این رو، از مخاطب خویش می‌خواهد که
 برای روز قیامت چاره‌ای بیندیشد:

هرچه خواهی بکن ای غافل لیکن می‌دان چوب‌دار اجلت زود به میدان آرد...
 خود گرفتم که تو سلطانی از او غره مشو زانکه یک روز قضا روی به سلطان آرد
 خیز و کاری بکن امروز از آن پیش کاجل نامه عمر عزیز تو به پایان آرد

نظامی علاوه بر اینکه مخاطب خویش را از آمدن قیامت هشدار می‌دهد، به طریق
 یادآوری و تذکر، به توصیف حال اقشار مختلف مردم در عرصه محشر می‌پردازد و از
 مخاطب می‌خواهد تا عجز خویش را در آن روز یاد کند. به نظر می‌رسد که هدف
 نظامی از این تذکر و یادآوری هشدارگونه، علاوه بر متوجه ساختن مخاطب به مراقبت
 از اعمال خویش، ترساندن او باشد تا همین ترس از عجز و ناتوانی در روز قیامت، او
 را از رذایل اخلاقی حفظ کند:

یاد کن عجز خود آن روز که نیک و بد تو عالم السّر تو در پله میزان آرد
 ای بسا مفتی فتوا که به هنگام شمار به رقوم و رقم خویش پشیمان آرد
 ای بسا زاهد که امروز عظیم النور است ملک آن روز مر او را سوی یزدان آرد

(همان)

از سیاق بیت زیر نیز مشخص است که شاعر خواسته تا با ایجاد بیم و هراس، انسان
 را از وابستگی به این جهان و متعلقات آن بر حذر دارد. در واقع، «تا»ی تحذیر که
 به معنای «مراقب باش» است، علاوه بر اینکه متضمن مفهوم هشدار است، در شنونده

ایجاد دلهره نیز می‌کند. لفظ اژدهای کودک‌خوار نیز برای همین منظور به کار رفته است: تا نگردي کودکانه زیر این مهد کبود کاژدهای کودک است این دایه نامهربان (همان: ۲۴۵)

نظامی در استفاده از شگرد ترس برای اقناع، متأثر از قرآن کریم است؛ چراکه خداوند متعال در قرآن به انحای مختلف انسان‌ها را بیم می‌دهد تا آن‌ها را از ظلم و ستم بازدارد و به اعمالشان بی‌گهانند. برای همین است که قرآن «نذیراً لِلْبَشَرِ» (مدثر: ۳۶) معرفی شده است.

۲-۵. توسل به تبشیر

یکی از شگردهای مؤثر برای تغییر نگرش و رفتار مخاطبان، بشارت دادن به عطایایی است که در پی انجام عملی نیک و پسندیده می‌آید؛ زیرا بشارت در روح آدمی امید می‌آفریند و او را آماده انجام تکالیف صحیح می‌گرداند. تبشیر معمولاً همراه با تشویق می‌آید با اینکه بین این دو از جهاتی فرق وجود دارد. «تشویق متوجه گذشته و حال است و تبشیر ناظر به آینده و حال است. تبشیر سریع‌التأثیرتر از تشویق است» (باقری، ۱۳۸۵: ۱۱۸). بنابراین تبشیر یکی از ابزارهای کارآمد در نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که هرکسی ممکن است در زندگی خود و در تربیت اطرافیان، از این شگرد استفاده کرده باشد.

نظامی از شگرد تبشیر نیز در بیان مضامین تعلیمی بهره می‌برد. برای نمونه، او انسان‌هایی را که از روی خرد به خداوند متعال روی می‌آورند، به غفران گناهان بشارت داده است. همچنین، در نظرگاه نظامی، روی آوردن به خداوند، متضمن در امان ماندن از دریای مشکلات است:

هرکه از روی خرد روی به یزدان آرد لطف یزدانش همی تحفه غفران آرد (نظامی، ۱۳۶۲: ۲۲۶)

تو خدا را شو اگر خود همه عالم دریاست به خدا گر سر مویی قدمت تر گردد
(همان: ۲۲۲)

توصیه به عدل و عدالت گستری نیز از دیگر آموزه‌هایی است که نظامی بر رعایت آن تأکید کرده است، اما برای آنکه خواننده به رعایت عدل ترغیب شود و سخن نظامی را بپذیرد، او را به روشنایی لحد و آسایش و راحتی در قیامت بشارت داده است:
دست عدلی را که آری بر سر یک زیردست در لحد خورشید یابی، در قیامت سایبان
(همان: ۲۴۴)

نظامی اهل ایمان را نیز به بهشتی که از گوهر و دُر آراسته شده است، بشارت می‌دهد:

آراسته بهر اهل ایمان از گوهر و دُر، بهشت معمور
(همان: ۲۳۷)

او در جای دیگری نیز باز از شگرد تبشیر استفاده می‌کند و برای اقناع مخاطب به خدمت‌رسانی به خلق، می‌گوید هر که در راه خدمت‌رسانی گام بردارد، پایه‌پایه به درجه خواجهگی (سروری) در قیامت خواهد رسید:

سری آن راست در این دایره چوگان‌شکل که چو گوی از پی خدمت همه بر سر گردد
خدمت آموز که هر کاو سر خدمت دارد پایه پایه به درج خواجه محشر گردد
(همان: ۲۲۳)

با توجه به شاهدهای فوق، می‌توان گفت که استفاده از شگرد تبشیر در اقناع مخاطب، در ترغیب و تحریک او به انجام آموزه‌هایی چون خداجویی، عدالت‌طلبی، عدالت‌گستری و خدمت به خلق نقشی بسزا دارد؛ زیرا پاداشی که در پی انجام عمل نیک در انتظار اوست، به وی یادآوری شده و همین پاداش مسبب ایجاد انگیزه و حرکت در مسیر صواب است. نظامی در این روش نیز متأثر از قرآن کریم است.

خداوند نیز در جای جای قرآن کریم، انسان را به عطایایی که به سبب انجام اعمال نیک در انتظار اوست، بشارت می‌دهد. بنابراین نظامی سعی می‌کند با تأسی از روش قرآنی، نفوذ کلام خویش را گسترش دهد.

۳-۵. استفاده از اسلوب استفهام

استفاده از سؤال معمولاً با هدف کسب آگاهی و اطلاع صورت می‌گیرد، اما در علم معانی، از اغراض ثانوی آن بحث می‌شود؛ زیرا گاهی سؤال در معنای حقیقی خود به کار نمی‌رود و «پرسنده سخنور نمی‌پرسد که بداند. از پرسش خواستی دیگر دارد، انگیزه‌هایی جز دانستن او را به پرسیدن برمی‌انگیزد» (کزازی، ۱۳۷۰: ۲۰۶). در ارتباطات اقناعی نیز «سؤال ابزاری مؤثر در ترغیب افراد به حساب می‌آید» (میلز، ۱۳۹۰: ۸۶)؛ زیرا از یک طرف باعث تأمل در مخاطب می‌شود و از طرف دیگر جلب مشارکت او را به دنبال دارد. از این رو استفاده از آن، جزو شگردهای مؤثر در متقاعدسازی محسوب می‌شود.

نظامی آموزه‌های تعلیمی خود را به این شگرد بلاغی آراسته است؛ به صورتی که با به کارگیری استفهام، در صدد اخذ تأیید سخن خود از زبان مخاطب و در نهایت، اقناع اوست. برای مثال در ابیات زیر، موضوع اصلی سخن شاعر، روی آوردن انسان به خداوند و پرهیز از عصیان و ناسپاسی در برابر اوست. در این ابیات، نظامی ابتدا به توصیف ستایش آمیز خداوند پرداخته تا ذهن مخاطب را آماده پذیرش پیام کند؛ سپس در مصراع آخر با یک سؤال، مخاطب را بر اقرار آنچه نزد او معلوم است، واداشته که این امر بر پذیرش و تصدیق پیام اثرگذار است:

قدرت کامل او خاک پدیدار کند	وانگه از خاک همی صورت انسان آرد
در رحم ز آب کند صورت زیبا و همی	بخشش وافر او باز در او جان آرد
ربع مسکون کند از خاک قرار ما را	و آنچه از مصلحت آن است در او آن آرد

ای به انصاف، یکی نیک در اندیش کنون در چنین دوست کسی آخر، عصیان آرد؟

(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۲۶-۲۲۷)

همچنین در نظرگاه نظامی، دنیا «موجگاه محنت» است که غفلت و بی‌خبری در آن موجب نابودی انسان می‌شود. او این موعظه را نیز در قالب سؤال ارائه کرده که غرض از آن، اقرار مخاطب به صحت پیام است:

موجگاه محنت است هان! گر بصر داری مخسب خفتن اندر موج گردابی که را دارد امان؟

(همان: ۲۴۲)

از دیگر آموزه‌های نظامی، کمک به همراهان و لزوم حفظ و نگهداری آن‌هاست؛ زیرا پشت و پناه انسان در انجام امور مختلف، همراهان و یاران او هستند. بنابراین رنجش یاران و از بین بردن آنان موجب تنهایی و بی‌پناهی انسان خواهد شد. نظامی این آموزه را نیز به شگرد بلاغی سؤال آراسته است؛ سؤالی که جواب آن نزد مخاطب است: یاوری کن همه را تا همه یار تو شوند چون همه یار کُشی با تو که یاور گردد؟

(همان: ۲۲۴)

همان طور که مشاهده می‌کنیم، جواب سؤالاتی که نظامی طرح کرده، کاملاً واضح و آشکار است و مخاطب نمی‌تواند جواب آن را رد یا انکار کند. این سؤالات از طرفی خصیصه تعلیمی نیز دارند؛ زیرا ذهن مخاطب را به تکاپو انداخته و باعث تعمیق یادگیری می‌شوند.

۴-۵. استفاده از اسلوب شرط

در فرایند متقاعدسازی، استفاده از اسلوب شرط در تبلیغ یک ایده، از سوی گوینده به این صورت مطرح می‌شود که «رسیدن به وضعیت مطلوب در گرو انجام فلان عمل یا پذیرش فلان ایده است» و از آنجا که هر انسانی در زندگی اجتماعی خود به دنبال راهکاری برای رسیدن به وضعیتی مطلوب است، مبلغان آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی از

این ظرفیت برای تبلیغ و متقاعدسازی افراد به انجام اعمال مدنظر خود بهره می‌برند؛ برای مثال در سخن آنان می‌بینیم که «اگر می‌خواهید رستگار شوید نماز بخوانید»؛ «اگر می‌خواهید به مکنّت و ثروت برسید رباخواری نکنید»؛ «اگر می‌خواهید تنی سالم داشته باشید ورزش کنید.» در اینجا نیاز افراد به وضعیتی مطلوب است که آن‌ها را به انجام اعمال مدنظر مبلّغان متقاعد می‌کند. در ذهن افراد جامعه نیز همواره این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان به رستگاری رسید؟ یا چگونه می‌توان تنی سالم داشت؟ از این رو، یکی از شیوه‌هایی که با آن می‌توان مخاطبان را به انجام اعمال نیک سوق داد، وعده رسیدن به وضعیت مطلوب مشروط بر انجام عملی است که مدنظر ماست. در واقع، استفاده از این شگرد مبتنی بر نیاز افراد به داشتن وضعیتی مطلوب است.

نظامی گاه برای اشاعه ایده‌ها و مواعظ خود از چنین روشی بهره می‌گیرد. برای مثال او به مخاطب خود می‌گوید: «اگر می‌خواهی صاحب یار و لشکر باشی، باید بذل و بخشش کنی» یا اینکه «اگر می‌خواهی از جهالت رهایی یابی، باید از جهان دل بکنی» صاحب لشکر شدن یا رهایی از جهالت، وضعیتی مطلوب است که هرکسی به دنبال آن است. حال راهکاری که نظامی برای رسیدن به آن ارائه می‌دهد، سوق دادن مخاطب به انجام عمل نیک است که دستیابی به وضعیتی مطلوب در پی انجام آن می‌آید:

لشکرت باید، نان بخش که آن مور ضعیف چون به نان باره بود، صاحب لشکر گردد
(همان: ۲۳۴)

از جهان بردار دل تا از تو بردارند جهل کاین گران بندت نگیرد، گر گران بیند تو را
(همان: ۲۴۱)

گویی نظامی در بیان این مضامین در صدد پاسخ به سؤال مقدری است که از نیاز مخاطبان نشئت می‌گیرد:

- در چه صورت می‌توان صاحب یار و لشکر شد؟ پاسخ: در صورت سخاوت و نان‌بخشی.

- در چه صورت می‌توان از جهل رهایی یافت؟ پاسخ: در صورت دل برداشتن از جهان.

مضمون اصلی ابیات زیر، همان طور که مشاهده می‌کنیم، بذل و بخشش، ترک جهان، رهایی از جسم و علم‌آموزی است. شاعر برای اینکه مخاطبان را به انجام چنین اعمالی سوق دهد، به شیوه مشروط، وعده رسیدن به یار و لشکر، رهایی از جهالت، گنج معنوی، ریاض روشنی، مرغ و ماهی و شکار پاک را می‌دهد. نیاز افراد به مواردی از این قبیل، می‌تواند آن‌ها را به انجام کارهایی که به عنوان پیش شرط مطرح شده‌اند، اقناع کند:

اساس گنج می‌خواهی، طلسم جسم را بشکن	که پی بردن به گنجینه نمی‌شاید به آسانی
ریاض روشنی خواهی چو گوهر شب چراغی کن	که بی شب نور ننماید چراغ گوهر کانی
وگر خواهی که بر خوانت بیارد مرغ و ماهی را	مکن جز یوزه در یوزه چو زنبیل سلیمانی
شکار پاک می‌خواهی به تیر علم صید افکن	که پاک آیین به علم آمد سگی صیدی ز کهدانی

(همان: ۲۵۴)

۵-۵. تکرار

یکی از صنایعی که در ادبیات کلاسیک و معاصر نمونه‌های فراوان دارد، تکرار است. تکرار علاوه بر اینکه جنبه جمال‌شناسی دارد و موسیقی کلام را افزایش می‌دهد، قابلیت‌های دیگری نیز به متن می‌افزاید. آموزش و تعلیم، تأکید بر اهمیت موضوع، ایجاد عاطفه و هیجان، تنبیه و تحذیر و ایجاد وحدت موضوع (سبزعلیپور، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۸) از کارکردهای تکرار است که به شرط عدم ایجاد اختلال در معنا، از مستحسنان کلام محسوب می‌شود.

امروزه کارکردهای معنایی - منظوری تکرار نیز اهمیت فراوانی یافته است. پژوهشگران ارتباطات بر این باورند که تکرار به موفقیت اقناع و تغییر نگرش، کمک

شایانی می‌کند و همواره بر مخاطب تأثیرگذار است؛ هرچند تکرار طوطی‌وار ممکن است مخاطب را خسته کند (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). به هر حال از آنجا که تکرار یک کلمه، عبارت یا جمله، بر اهمیت موضوع تأکید دارد و موجب برجسته‌سازی کلام می‌شود، در تعلیم و تربیت نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. بنابراین «متقاعدسازان اغلب پیام خویش را تکرار می‌کنند» (الیاسی، ۱۳۸۳: ۱۶).

نظامی در مواعظ و نصایح خود از شیوه تکرار نیز بهره می‌جوید. برای نمونه، او در ابیات زیر از دستگیری قرآن و نقش آن در رفع گرفتاری‌ها سخن می‌گوید و با تکرار واژه قرآن و مضمون گرایش به آن، بر اهمیت موضوع تأکید کرده و نقش ترغیبی کلام را می‌افزاید:

زین قرآن ایمن شوی، چون چنگ در قرآن زنی مهد قرآن جوی، کامد مهدی آخر زمان
هرچه ز قرآن ترازی، برفشان زان آستین هرچه ز ایمان بساطش، درنورد آن آستان
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۴۲)

همان طور که مشاهده می‌کنیم در دو بیت بالا تکیه اصلی کلام «روی آوردن به قرآن کریم» است؛ واژه قرآن برای تأکید سه بار آمده است و جملات «چنگ در قرآن زنی» و «مهد قرآن جوی» تکرار مضمون محسوب می‌شوند. تکرار این مضامین موجب می‌شود تا مخاطب آن را برای همیشه در ذهن خود نگه داشته یا دیرتر فراموش کند؛ زیرا «تکرار یک پیام، مانند ضربات چکشی است که کم‌کم یک میخ را داخل چوب می‌راند» (دانشور و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۱). بنابراین تکرار در ژانر تعلیمی، نقش اقناعی و تثبیتی دارد.

در ابیات زیر نیز بر «فدا کردن زر» در نفی تجمل‌پرستی، رابطه «عشق خالق و مخلوق» و لزوم قناعت در قالب تکرار «خاک خور» تأکید شده است تا با این برجسته‌سازی، روی نگرش مخاطب تأثیرگذار باشد:

از تجمل هیچ ناید، زر فدا کن، زر فدا تا همه ساله چو زر هم پیر باشی هم جوان

شهود حضرت حق را چنان کن دست در گردن نه از تو عشق واماند، نه تو از عشق وامانی
 تو از عشقی و عشق از تو و این دور مسلسل بین چه از خانی بود دریا، چه از دریا بود خانی
 باش قانع به نشان قدم ناقه صبر خاک خور خاک و در این ره ز کسی نان مطلب

تکیه اصلی ابیات زیر نیز روی حفظ آبرو، عزت نفس و دوری خواری و ذلالت برای کسب روزی است. این مضامین در سه بیت پشت سرهم تکرار شده‌اند. هدف شاعر از تکرار این مضامین علاوه بر تأکید، اقناع مخاطب است؛ زیرا «تکرار یک مطلب احتمال پذیرش آن را نزد مخاطب بالا می‌برد» (دانشور و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۱). «نان کس مستان و آب خود مبر»، «خاک هر پایی مشو از بهر مستی آب و نان» و «ور همه تسبیح باشد نقش نان کس مخوان» تکرار شده‌اند. همچنین در بیت دوم، شاعر مضمون حفظ آبرو و عزت نفس را با تلمیحی از داستان حضرت آدم و امام حسین (ع) آمیخته است تا تأثیرگذاری آن بیشتر شود:

نان کس مستان و آب خود مبر، گر عاقلی تا فرشته از شیاطین خواندت جزیت ستان
 با حسین و آدم آخر آب و نان دانی چه کرد؟ خاک هر پایی مشو، از بهر مستی آب و نان
 گر همه جلاب باشد آبروی کس مخور ور همه تسبیح باشد، نقش نان کس مخوان
 (همان: ۲۴۵)

۶-۵. تلمیح به رفتار پیامبران

نظامی در توصیه‌های خود، گاه به شیوه تلمیح، نقبی به رفتار پیامبران می‌زند تا آنچه می‌گوید مقبول طبع افتد؛ زیرا «در فرایند متقاعدسازی و تغییر نگرش، فقط کسانی قادرند بر مخاطبان تأثیر ژرفی گذارند که واجد ویژگی‌هایی باشند که آنان را از نظر مخاطبان قابل قبول جلوه می‌دهد» (امیرکاوه و اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۹۱). پیامبران نیز به واسطه صداقت در گفتار و عمل، در نظر افراد، الگویی معتبر و شناسا و پذیرفتنی بوده‌اند. از این رو، نظامی مخاطبش را به رفتارهایی توصیه می‌کند که در عمل پیامبران

وجود داشته و به نظر می‌رسد که هدف او از این امر، علاوه بر جنبه‌های جمال‌شناسانه، متقاعد کردن کردن مخاطب به انجام آن رفتار است. برای نمونه، یکی از مواظظ نظامی، ترک جهان و عدم تعلق به آن است. او برای اینکه مخاطب را قانع سازد تا تعلق خود را از این جهان ببرد و آن را ترک کند، تلمیحی به رفتار حضرت عیسی (ع) می‌زند که او نیز وقتی کام خویش در این جهان ندید، آن را ترک گفت:

گر عاقلی مباش مقید به هیچ جا نشنیده‌ای که ملک خدا، بنده خدا
عیسی که کام خویش ندید از جهان، نهاد بر تارک جهان قدم و رفت بر سما
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۱۸)

مفهوم فوق (ترک جهان) را در بیت زیر نیز مشاهده می‌کنیم که برای توصیف آن به مخاطب، به‌طور ضمنی، به رفتار خضر پیامبر (ع) استناد شده است:

خضر شو تا چو ز بغداد جهان کوچ کنی قدم تو پل این دجله اخضر گردد
(همان: ۲۲۲)

توصیف ابیات زیر نیز «تسلیم در برابر امر پروردگار» و «نرم‌دلی» است که در رفتار حضرت ابراهیم (ع) و داود (ع) دیده می‌شود. در این ابیات نیز شاعر تلاش کرده تا با معرفی الگویی معتبر و شناسا، مخاطب را به انجام چنین رفتارهایی سوق داده و بر میزان پذیرش کلام خود بیفزاید:

گام اول چو خلیل از در تسلیم درآی تا همه راهزنی پیش تو رهبر گردد
موم ترکیب چو داود شو از نرم‌دلی تا که در دست تو فولاد مخمر گردد
(همان: ۲۲۳-۲۲۵)

تلمیحاتی که نظامی با هدف آموزش آورده، تلمیحاتی موثقاتی است. کارکرد این تلمیحات این است که ابتدا در گیرنده پیام ایجاد اعتماد می‌کنند و همین اعتماد و تضمین است که فرایند متقاعدسازی را تسهیل می‌کند. بدین صورت که خواننده پیام

اطمینان حاصل می‌کند که نرم‌دلی موجب احصای نیروی معنوی می‌شود؛ چراکه نمونه موفق آن در رفتار حضرت داود(ع) قابل مشاهده است و یا تسلیم در برابر امر پروردگار، موجب نجات و راهبری انسان است. نمونه موفق این امر نیز در رفتار حضرت ابراهیم(ع) مشاهده می‌شود. علاوه بر این، استفاده از این تلمیحات این امکان را برای مخاطب فراهم می‌کند که با تداعی داستان‌ها، به مقایسه رفتار خود با رفتار پیامبران پردازد. این مقایسه هم موجب التذاذ و تکاپو می‌شود و هم بر میزان آگاهی و خودکنترلی فرد، تأثیر مثبت می‌گذارد.

نظامی در استفاده از این شگرد نیز متأثر از قرآن کریم است؛ زیرا در قرآن، داستان پیامبران برای عبرت انسان‌ها و نیز تغییر رفتار و نگرش آنان آمده است.

۷-۵. استفاده از تمثیل

یکی از مؤثرترین شگردها برای اقناع مخاطب و تغییر نگرش او استفاده از تمثیل است؛ زیرا «تمثیل‌ها به واسطه تبدیل مفاهیم کلی و انتزاعی به مدارک عینی و محسوس، می‌توانند توجه افراد را جلب کنند» (میلز، ۱۳۹۰: ۴۷) فتوحی در کتاب بلاغت تصویر، به کارکرد اقناعی تمثیل نزد خطیبان و سخنوران یونان اشاره کرده است: «در یونان باستان، تمثیل در کانون توجه خطیبان و اهل بلاغت قرار داشت... خطیب با ذکر شواهد تاریخی و ابداع مثل، به استدلال دست می‌زند و مخاطبان خود را اقناع می‌کند و آنان را به عمل برمی‌انگیزد» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۴۹). بنابراین یکی از اصلی‌ترین کارکردهای تمثیل، خصیصه استدلال‌گری و اقناع‌کنندگی برای مخاطب است. همچنین، تمثیل قالبی مؤثر در ادبیات تعلیمی به شمار می‌آید؛ زیرا با تصویر کردن مفاهیم انتزاعی و عقاید دینی و اخلاقی، امر آموزش به عوام و ذهن‌های مبتدی را ساده می‌کند. کارکرد تمثیل در مذاهب نیز بسیار روشن است؛ به‌ویژه در خطابه‌های سیاسی و علم اخلاق، قدرت اثبات و اقناع شگرفی دارد؛ مثلاً در توصیه به انجام امری یا نهی از عملی (همان: ۲۷۳).

تمثیل‌های به‌کاررفته در قصاید نظامی از نوع تمثیل‌های داستانی نیست و از نظر ساختار، بیشتر شبیه به اسلوب معادله است، اما فرق آن با اسلوب معادله در این است که دو مصراع کاملاً مجزا نیستند که بتوان جای آن‌ها را عوض کرد، بلکه بین دو مصراع پیوند وابسته‌ساز «که» وجود دارد.

به هر حال، نظامی برای اثبات آموزه‌های تعلیمی خود و قبولاندن آن‌ها به مخاطب، از تمثیل نیز بهره‌جسته است که این هنر وی، علاوه بر اینکه پیام نهفته در سخنش را پذیرفتنی‌تر می‌کند، بر زیبایی و ایجاز آن هم می‌افزاید. برای نمونه در ابیات زیر، سخن نظامی روی آوردن انسان به تحرک و پویایی است. او برای اینکه مضرات عدم تحرک و پویایی را به خواننده القا کند، موارد گوناگونی را مثال می‌آورد. او می‌گوید آب روان زندگی‌بخش است. اگر یک جا بایستد، گزاینده جان است؛ یا می‌گوید هرکس در خانه بنشیند و تحرکی نداشته باشد، مانند عنکبوتی است که فقط سزاوار جولاهگی (بافندگی) است. همچنین، از سایه و آفتاب زندگی‌بخش مثال می‌آورد که صبح تا شب در حال حرکت‌اند؛ یا از قلم می‌گوید که اگر حرکتی نداشته باشد، نمی‌تواند حرفی دلگشا بیافریند. بنابراین در زندگی، حرکت و پویایی انسان موجب توفیق او در امور مختلف می‌شود. آوردن مثال‌های متعدد علاوه بر اینکه مبین استدلال نظامی از راه تمثیل است، تلاش او را برای اقناع مخاطب می‌نمایاند:

آب روان ممد حیات است و چون ستاد	یک جا ز حد زیاده، دهد طعم جان‌گزا
آن کاو به کُنج خانه نشیمن کند، بود	مانند عنکبوت به جولاهگی سزا...
با آفتاب سایه که همسایگی کند	نبود جز اینکه سیر کند صبح تا مسا
ساکن مباش گرچه به سر بایدت شدن	کآید ز خامه از حرکت حرف دلگشا

(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۱۸)

از دیگر آموزه‌هایی که نظامی آن را بیان می‌کند، مبارزه با نفس اماره است که مسبب

اصلی انحراف آدمیان از مسیر درست زندگی است. او این آموزه اخلاقی را نیز در قالب تمثیل بیان کرده؛ وی معتقد است که پروبال دادن به نفس و فرصت دادن به آن، موجب قوام و نیروگرفتن نفس می‌شود. درست مثل ماری که اگر بزرگ شود به اژدها تبدیل شده و مبارزه با آن دشوار است، درباره شهوت نیز همین امر حاکم است. توصیه نظامی این است که انسان باید فرصت‌سوزی نکند و تا جوان است به مبارزه با نفس و شهوت پردازد:

نفس اگر پیر شود سهل نباشد، زان روی کاژدها گردد ماری که کهن تر گردد...
کوش تا شهوت خود را به جوانی شکنی کاژدها گردد ماری که معمر گردد
(همان: ۲۲۲-۲۲۴)

توصیه ایبات زیر نیز، حرکت در مسیر درست، دوری از ظلم و عدم شهوت‌پرستی است که در قالب تمثیل ارائه شده است:

یک قدم راست بنه تا شوی آزاد چو سرو که ترازو به جوی مشک، معطر گردد
کرم خون‌خواره مشو تا نشوی اندک عمر که بسی زی نبود هر که بسی خور گردد
(همان: ۲۲۴)

گر ز شهوت کم کنی در دین فزایی کز بخور هر چه خاکستر بود کم، بیشتر باشد دخان
(همان: ۲۹۵)

۸-۵. اسلوب معادله

یکی از روش‌های بلاغی که می‌توان با آن به اقناع مخاطب پرداخت، اسلوب معادله است؛ زیرا در ضمیر اسلوب معادله، نوعی استدلال عقلی وجود دارد که مبتنی بر تشبیه است. شاعر در اسلوب معادله سعی می‌کند با آوردن مثالی ملموس، ادعای خویش را به اثبات برساند. در اسلوب معادله «زمینه رابطه بین ادعا و پشتیبان، امور ملموس هستی، انگاره‌های ذهنی، و باورهای عام و مشترک است» (اسکویی، ۱۳۹۴: ۴۲).

نظامی از ظرفیت اسلوب معادله برای تفهیم و اثبات مضامین تعلیمی بهره برده

است؛ بدین صورت که او غالباً پند و موعظه خویش را در مصراع اول بیان می‌کند و در مصراع دوم، مثالی ملموس و عینی برای اثبات آن می‌آورد. استفاده از این شگرد در بیان مضامین تعلیمی، این امکان را برای خواننده فراهم می‌کند تا به مقایسه مضمون اخلاقی با مثال اثباتی آن پردازد. این امر علاوه بر اینکه در تفهیم مطلب و تثبیت آن مؤثر است، موجب التذاذ ادبی نیز می‌شود. برای مثال در بیت زیر، توصیه نظامی این است که انسان باید به کسب علم و دانش پردازد تا با این سلاح، خود را در برابر حرص و آز ایمن کند. شاعر برای تفهیم این مطلب، در مصراع دوم مثالی ملموس آورده که درک مطلب اصلی را برای مخاطب، عینی و محسوس ساخته است؛ بدین صورت که خواننده می‌کوشد تا در ذهن خود، بین عناصر مختلف بیت، تناظرهایی برقرار نموده و رابطه دو سوی معادله را کشف کند. در بیت زیر، دانش را که چون شحنه‌ای است با رستم متناظر می‌کند و دیو را نیز همچون حرص می‌انگارد؛ دانش چون رستمی است که دیو حرص را می‌کشد:

شحنه ما دانش آنکه حرص در همسایگی رستم ما زنده آنکه دیو در مازندران
(نظامی، ۱۳۶۲: ۲۴۲)

در بیت زیر نیز، نظامی انسان را به عاقبت‌نگری دعوت می‌کند و از او می‌خواهد که عاقبت اعمالش را در خویش جست‌وجو کند. انسان چون دهقان است و اعمال او چون بذری است که کاشته می‌شود. بنابراین نتیجه اعمال او به خودش بازمی‌گردد:

عاقبت جوی شو و کرده خود بر خود نه هر که شد خوشه چین روی به دهقان آرد
(همان: ۲۲۷)

نظامی مفهوم بیت فوق را با اندکی تغییر دوباره تکرار کرده است که این امر از تلاش او برای تفهیم مطلب و اقناع مخاطب حکایت دارد:

نیک هشیار بزی، گوش به خود دار از آنک هر چه کارند در این کشت همان برگیرند
(همان: ۲۳۰)

همچنین نظامی بر این باور است که دین انسان با زور و زر قوام نگرفته یا بزرگ نمی‌شود. همان طور که بُز با تک و دویدن فربه نمی‌شود:

دین به زر بالا نگیرد، واجب است این موعظت بز به تک فربه نگرده، لایق است این داستان (همان: ۲۴۳)

به باور نظامی، علل رخنه در مُلک وجود انسان، خون‌خواری و ظلم است. او برای توضیح این معنا و اثبات آن، مثالی از طبیعت می‌آورد و می‌گوید علت مجذّر شدن (آبله شدن) ماه این است که خون خورشید را خورده است. این معنی در مصراع دوم، خواننده را به این نتیجه می‌رساند که برای در امان ماندن از آسیب‌ها، باید از ظلم و ستم دست کشید:

مُلک تو رخنه ز خون خوردن مظلومان است حیض خورشید خورد مه که مجذّر گردد (همان: ۲۲۴)

۶. نتیجه‌گیری

از مباحث مطرح شده در این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت:

الف. تأثیر و نفوذ آموزه‌های گوناگون بر طبایع و نفوس و به دنبال آن، تغییر نگرش و رفتار مخاطبان، از اهداف مهم و اساسی در ادبیات تعلیمی است. از این رو، نظامی با اطلاع از اینکه دعوت صریح به مبانی اخلاقی و آموزه‌های تعلیمی، کمتر می‌تواند رفتار افراد را تحت تأثیر قرار دهد، مواعظ و نصایح خویش را به شگردهای مختلف اقناعی آراسته تا این امر، به پذیرش سخن وی یاری رساند. از این منظر، نظامی را می‌توان شاعری متعهد و مسئول دانست؛ چراکه شعر و هنر خویش را به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتقای آدمیان به مقام والای انسانیت به کار گرفته است. در واقع، باورمندی نظامی به قرآن، حدیث، عرفان و دیگر جلوه‌های فرهنگ اسلامی، از وی شاعری دغدغه‌مند و مُصلح ساخته است. آن‌چنان که او در به‌کارگیری شگردهایی چون انذار، تیشیر، تکرار و تلمیح به رفتار

پیامبران، متأثر از روش قرآن کریم است و این امر، کلام او را پذیرفتنی تر می‌کند.
 ب. وجود شگردهایی چون اسلوب شرط، اسلوب استفهام، تمثیل و اسلوب معادله نیز مبتنی بر منطق عقلی و هنری است؛ چراکه از یک سو بر شیوایی و بلاغت کلام افزوده و کارکردی زیباشناسانه دارد و از دیگر سو، به نوعی متضمن قیاس‌های عقلی است که ذهن مخاطب را واداشته تا درخصوص ادعای شاعر به تعقل پردازد و درک خویش را درباره مسئله‌ای که بیان می‌شود، افزایش دهد. بنابراین استفاده از روش‌های زیبای استدلالی، احساس و اندیشه را توأمان تحریک می‌کند. این مسئله توفیق شاعر را برای جلب توجه و تأثیر بر مخاطبان افزوده و موجب التذاذ ادبی می‌شود.

ج. البته برای هر یک از شگردهایی که نظامی برای اقناع مخاطب به کار برده است، می‌توان یک یا چند کارکرد قائل شد: ۱. انذار: بازدارندگی از راه تداعی امور ناخوشایند؛ ۲. تبشیر: ترغیب و ایجاد انگیزه؛ ۳. اسلوب استفهام: کمک به درک و فهم مخاطبان از طریق تحریک احساس و اندیشه؛ ۴. اسلوب شرط: کمک به قیاس عقلی و تحریک احساس و اندیشه؛ ۵. تکرار: تثبیت مطلب؛ ۶. تلمیح به رفتار پیامبران: اعتمادسازی و کمک به قیاس رفتار از طریق تداعی؛ ۷. اسلوب معادله و تمثیل: تحریک احساس و اندیشه و کمک به درک و فهم مخاطبان.

د. نکته دیگری که از بررسی قصاید نظامی به دست می‌آید، این است که در نظرگاه این شاعر، قالب قصیده فقط برای مدح و ستایش شاهان و بزرگان نیست؛ چراکه نظامی در این قصاید، هر جا که مجال می‌یابد، مواعظ، پندها و اندرزهای مدنظر خود را مطرح می‌کند و گاه می‌توان قصیده‌ای یافت که بیشتر مبتنی بر بیان آموزه‌های تعلیمی است تا مدح و ستایش.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. اسپنس، گری (۱۳۹۰)، چگونه استدلال کنیم و همیشه پیروز باشیم، ترجمه محمدجواد میرفخرایی، چ ۴، تهران: میزان.
۳. اسکویی، نرگس (۱۳۹۴)، «شیوه‌های تعلیلی شاعران سبک آذربایجانی»، مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، ۴۸-۲۹.
۴. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «متقاعدسازی در تئوری و عمل»، نشریه مطالعات عملیات روانی، شماره ۵، ۳۱-۶.
۵. امیرکاوه، سعید، و شعیب اسلامی (۱۳۹۵)، «روش اقناع مخاطب در نهج البلاغه»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و دوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱۰)، ۲۱۳-۱۷۵.
۶. باقری، خسرو (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه.
۷. پراتکانیس، آنتونی، و الیوت آرئسون (۱۳۸۴)، عصر تبلیغات: استفاده و سوء استفاده روزمره از اقناع، ترجمه کاووس سید امامی و محمدصادق عباسی، چ ۴، تهران: سروش.
۸. خان‌محمدی، محمدحسین، و حجت‌الله همتی (۱۳۹۴)، «انعکاس آموزه‌های تعلیمی در خمسه نظامی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۰۰-۱۲۶.
۹. دانشور، میترا، و دیگران (۱۳۹۵)، تفکر و سواد رسانه‌ای، چ ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱۰. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، انواع شعر فارسی، چ ۲، شیراز: انتشارات نوید.
۱۱. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۹)، پیر گنجه در جست‌وجوی ناکجاآباد، چ ۸، تهران: سخن.
۱۲. سبزی‌علیپور، جهان‌دوست (۱۳۸۸)، «تکرار بلاغی، اهمیت و لزوم بازنگری آن»،

- نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، مسلسل ۲۱۱، ۱۰۳-۸۱.
۱۳. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۴)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: ققنوس.
۱۴. فتوحی، محمود (۱۳۹۵)، بلاغت تصویر، چ ۴، تهران: سخن.
۱۵. قبادی، حسینعلی، و دیگران (۱۳۹۱)، «پیام‌های انسانی نظامی برای دغدغه‌های انسان معاصر»، فصلنامه کاوش‌نامه، سال سیزدهم، شماره ۲۵.
۱۶. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۰)، زیبایی‌شناسی سخن پارسی ۲ (معانی)، تهران: مرکز.
۱۷. گیل، دیوید، و بریجت ادفر (۱۳۸۴)، الفبای ارتباطات، ترجمه رامین کریمیان و همکاران، چ ۱، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۸. مرادی، حجت‌الله (۱۳۸۹)، اقناع‌سازی و ارتباطات اجتماعی، چ ۲، تهران: نشر ساقی.
۱۹. مرتضایی، مریم (۱۳۹۰)، تعلیم و تربیت در خمسه نظامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۲۰. مشرف، مریم (۱۳۸۹). جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات سخن با همکاری انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. مشهور، پروین‌دخت، و رضا جلیلی (۱۳۹۵)، «تأثیرپذیری تعلیمی روضه الانوار خواجه‌ای کرمانی از مخزن الاسرار نظامی گنجوی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۸، شماره ۲۹، ۱۷۱-۲۰۶.
۲۲. میلز، هری (۱۳۹۰). ترغیب افراد، ترجمه بابک خادمی پاشاکی و راضیه فضلی، چ ۱، تهران: ارمگان.
۲۳. ناصری، ناصر، و شهریار حسن‌زاده (۱۳۹۴)، «مضامین تعلیمی و تربیتی در هفت

- پیکر»، پژوهشنامه ادب تعلیمی، سال هفتم، شماره ۲۵، ۱۳۹-۱۷۶.
۲۴. نظامی گنجوی (۱۳۶۲)، دیوان قصاید و غزلیات، تصحیح سعید نفیسی، چ ۵، تهران: کتابفروشی فروغی.
۲۵. ----- (۱۳۸۹)، هفت پیکر، تصحیح و حواشی حسن وحیددستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ ۹، تهران: قطره.

